

تحلیل گفتمان ویژه برنامه‌های شصتمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

در شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی^۱

امین فرخی حقیقت^۲؛ امین طیب طاهر^۳؛ محمدعلی هرمزی‌زاده^۴

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱

چکیده

این پژوهش در پی بررسی و کشف گفتمان (یا گفتمان‌های) شکل‌گرفته پیرامون کودتای ۲۸ مرداد در تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در «گزارش‌های ویژه شصتمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد» است. در این راستا، از نظریه‌های گفتمان و دیپلماسی رسانه‌ای استفاده شده است. روش پژوهش، تحلیل گفتمان با استفاده از رویکرد گفتمان‌کاوی ون‌دایک است. متن مورد مطالعه این پژوهش، شامل ۷ گزارش است که پس از بررسی، به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده و مورد گفتمان‌کاوی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد متون تمام گزارش‌ها از لحاظ سبک واژگانی، افراد و نهادهای مطرح‌شده در متن، قطب‌بندی، استنادها، پیش‌فرض‌ها، دلالت‌های ضمنی، مؤلفه‌های اجماع و توافق و گزاره‌های اساسی، شباهت‌های بسیاری با هم دارند. براساس یافته‌های تحقیق، اصلی‌ترین چهارچوب در دستور کار قرار گرفته در این گزارش‌ها و مستند درخصوص کودتای ۲۸ مرداد، «چهارچوب دیپلماسی رسانه‌ای غرب» بوده که گفتمان‌های مشترکی مانند: تقویت و برجسته‌کردن گفتمان «ملی-لیبرال»، گفتمان «ابرقدرتی آمریکا»، گفتمان «اعتدال»، تضعیف گفتمان «اسلام سیاسی»، تخریب گفتمان «مارکسیسم» و رد گفتمان «مقاومت»- با توجه به مبانی فلسفی و معرفت‌شناختی چهارچوب مورد اشاره- در هر گزارش برجسته شده است.

واژه‌های کلیدی

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دیپلماسی رسانه‌ای، شبکه تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی، گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی.

۱. این مقاله براساس نظر گروه دبیران و سردبیر فصلنامه، پژوهشی است.

۲. کارشناسی ارشد مدیریت رسانه، گروه مدیریت رسانه، دانشکده ارتباطات و رسانه، دانشگاه صداوسیما، (نویسنده مسئول).

۳. دکتری ارتباطات، گروه ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
tayebtaher@ut.ac.ir

۴. مربی گروه ارتباطات، دانشکده ارتباطات و رسانه، دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران.
hormozizadeh@iribu.ac.ir

مقدمه

رسانه‌های جمعی را خواه مانند جبرگرایان تکنولوژیک شکل‌دهنده به واقعیت‌های اجتماعی بدانیم (مک‌کوابیل، ۱۳۸۵: ۹۵) یا وابسته به تغییرات اجتماعی، آنچه مسلم است تأثیر رسانه‌های جمعی بر مخاطبان خویش است. از همین روست که این رسانه‌ها عموماً توسط قدرتهای اقتصادی و سیاسی برای مقاصد خاصی به کار گرفته می‌شوند. هرچند که کارکرد یک رسانه جمعی خاص تا حدودی به مالکیت آن بستگی دارد (مک‌کوابیل، ۱۳۸۵: ۹۷)، اما همواره دولت‌ها با ایجاد قوانین مشخص، محتواهای معینی را برای رسانه‌ها تعیین می‌کنند که بر سیاست‌گذاری‌ها و جهت‌گیری‌های این رسانه‌ها در زمینه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی اثرگذار است.

از سوی دیگر، یکی از کارکردهای رسانه‌ها، توضیح، تفسیر و تشریح واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی است (قندی، ۱۳۸۷: ۱۴۷) که در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی رخ می‌دهد. کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ که علیه دولت قانونی دکتر مصدق انجام شد، یکی از این رخدادهای تاریخی مهم ایران است که اسناد تاریخی گواه دخالت دولت‌های ایالات متحده آمریکا و انگلیس در این واقعه است (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۳۰). این واقعه به برکناری دکتر مصدق و روی کار آمدن زاهدی به‌عنوان نخست‌وزیر منجر شد. تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی نیز که از سال ۱۳۸۷ فعالیت خود را آغاز کرده است، در شصتمین سالگرد این واقعه، برنامه‌های مختلفی را در حوزه‌های گوناگون برای تفسیر این واقعه تاریخی تدارک دید و پخش کرد. از جمله این برنامه‌ها می‌توان به گزارش خبری، مصاحبه (به عبارت دیگر)، برنامه تعاملی (نوبت شما)، میزگرد (پرگار) و مستند (مصدق، نفت، کودتا) اشاره کرد که تمامی آنها به‌نوعی به حوادث کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اختصاص داشتند.

از یک‌سو، پخش چنین برنامه‌های مفصلی در ژانرهای مختلف درباره این واقعیت تاریخی، نشان‌دهنده اهمیت این واقعه برای این رسانه است. از سوی دیگر، نحوه پرداخت و تفسیر و تشریح کودتای ۲۸ مرداد، که دولت انگلستان نیز در آن نقش فعالی ایفا کرد، حائز اهمیت است. در زمینه جهت‌گیری رسانه‌ها، این

امر به یک واقعیت تبدیل شده است که هم مالکیت رسانه‌ها و هم ایدئولوژی کارکنان سازمان‌های خبری، نقش مهمی در جهت‌گیری محتواهای یک رسانه خاص ایفا می‌کنند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۸: ۳۵۰). بنابراین، پیروی از یک ایدئولوژی خاص، می‌تواند بر نحوه پرداختن به واقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و تاریخی اثرگذار باشد.

از این رو، این پژوهش به تحلیل گفتمان گزارش‌های بی‌بی‌سی فارسی در ارتباط با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می‌پردازد. چنان‌که پیش‌تر هم ذکر شد، با توجه به نقش دولت انگلستان در جریان این واقعه تاریخی و وابستگی سازمان رسانه‌ای بی‌بی‌سی فارسی به دولت انگلستان، تحلیل گفتمان این برنامه‌ها می‌تواند به تحلیل و بررسی نحوه پرداخت این رسانه و ایدئولوژی خاص آن منجر شود.

تابستان سال ۱۳۹۲ که مصادف با شصتمین سال کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود، اسناد این واقعه از سوی دولت آمریکا انتشار یافت که نشان‌دهنده دخالت آشکار این دولت در امور داخلی ایران و نقش مهم آنها در سرنگونی دولت مصدق در جریان کودتا بود.

عموماً در چنین شرایطی که اسناد رسمی درباره یک واقعیت تاریخی منتشر می‌شود، رسانه‌ها آن را به‌مثابه یک خبر تلقی کرده (بدیعی و قندی، ۱۳۸۸: ۶۳) و به تفسیر و تشریح آن می‌پردازند. با توجه به وابستگی اقتصادی بی‌بی‌سی فارسی به دولت انگلستان و با در نظر گرفتن نقش آشکار این دولت در جریان کودتا، تعبیری که این رسانه از کودتا برای مخاطبان خود ارائه می‌کند، قابل‌تأمل است و می‌تواند برداشت مخاطبان از اسناد منتشرشده را تحت تأثیر قرار دهد. حتی بسیاری از مخاطبان فارسی‌زبان این رسانه، دسترسی و امکان چندانی برای پیگیری اسناد اصلی منتشرشده (که به زبان انگلیسی است) ندارند. با توجه به اهمیت واقعه کودتای ۲۸ مرداد در تاریخ معاصر ایران و تأثیرگذاری آن بر بسیاری از وقایع تاریخی ۶۰ سال اخیر، این نکته حائز اهمیت است که رسانه‌ای پرمخاطب مانند تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی، چه تحلیلی از این واقعه ارائه می‌دهد.

چهارچوب نظری پژوهش

دیپلماسی رسانه‌ای^۱

دیپلماسی عمومی به زیرمجموعه‌هایی تقسیم می‌شود که یکی از آنها «دیپلماسی رسانه‌ای» است که به صورت عام به معنای به‌کارگیری رسانه‌ها برای تکمیل و ارتقای سیاست خارجی است (دارابی، ۱۳۹۰: ۳۲۹).

هدف از دیپلماسی رسانه‌ای در تبلیغات سیاسی و عملیات روانی فراملی، ایجاد تنفر از حاکمیت کشور هدف، اعمال فشارهای سیاسی، فرهنگی و نظامی کشورهای دیگر علیه کشور هدف، ایجاد رغبت و علاقه در مخاطبان کشور هدف به کشور کارگزار و مشروعیت و توجیه اعمال و رفتار کارگزاران تبلیغات سیاسی یا دیپلماسی رسانه‌ای است (محمدی، ۱۳۸۹: ۹۸).

«در هزاره سوم که هزاره ارتباطات نیز نام‌گرفته است پیشرفت وسایل ارتباط جمعی به‌گونه‌ای است که نمی‌توان تأثیر آن را بر سیاست خارجی کشورها انکار کرد. در واقع رسانه‌ها حلقه وصل دولت‌ها به افکار عمومی جهانی هستند؛ فضایی که در آن، پیشبرد سیاست خارجی و دیپلماسی بیش‌ازپیش به میزان تأثیرگذاری تاکتیک‌های خبری و رسانه‌ای وابسته شده است. چنان‌که هر قدر این تاکتیک‌ها و پوشش خبری پر قدرت‌تر و تأثیرگذارتر طراحی و منتشر شوند، چرخ‌های سیاست خارجی روان‌تر می‌چرخد» (خرازی محمدوندی آذر، ۱۳۸۸: ۱۱۰)؛ به‌گونه‌ای که دونالد رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا، در سخنران ژانویه ۲۰۰۶ در شورای روابط خارجی صراحتاً اعلام می‌کند که بعضی از حیاتی‌ترین نبردهای آمریکا اینک در «اتاق‌های خبر» در جریان است (خرازی، ۱۳۸۷: ۱۵).

اما کاربرد رسانه در سیاست خارجی با مفهوم دیپلماسی رسانه‌ای پیوند خورده است. از دیپلماسی رسانه‌ای که در واقع یک نوع دیپلماسی ارتباطی است تعاریف گوناگونی شده که ایبو دیپلماسی رسانه‌ای را این‌گونه تعریف می‌کند: «[هرگونه] استفاده از رسانه‌ها در جهت بیان و ترویج سیاست خارجی». (Ebo, ۱۹۹۶, p۴۴) همچنین گیلیو نیز در این زمینه معتقد است: «دیپلماسی رسانه‌ای شامل استفاده

1. Media Diplomacy

از رسانه‌ها توسط رهبران به‌منظور بیان منافع خود در مذاکرات، اعتمادسازی و بسیج اعتماد عمومی از توافقات می‌شود» (گیلیو، ۱۳۸۸: ۳۳).

هدف از دیپلماسی رسانه‌ای در عملیات روانی فراملی، ایجاد تنفر و دشمنی نسبت به حاکمیت آماج، اعمال فشارهای سیاسی، فرهنگی و نظامی کشورهای دیگر علیه کشور آماج، ایجاد رغبت و علاقه در مخاطبان کشور آماج نسبت به کشور کارگزار و مشروعیت‌بخشی و توجیه اعمال و رفتار کارگزاران عملیات روانی یا دیپلماسی رسانه‌ای است (سییلان اردستانی، ۱۳۸۳: ۵۶).

رسانه‌های همگانی در نقش دیپلماتیک خود می‌توانند در موقعیت‌های طیفی [از مثبت تا منفی] نمودار پیشرو قرار گیرند. با توجه به نمودار یادشده، ملاحظه می‌شود «رسانه‌ها در هر یک از مؤلفه‌ها روی یک طیف قرار می‌گیرند و امری مطلق در خصوص نقش دیپلماتیک آنها وجود ندارد؛ برای مثال یک رسانه می‌تواند کاملاً دولتی باشد، اما به‌علت کمی دانش و آگاهی مسئولان رسانه‌ای، برنامه‌هایی مغایر اهداف سیاست‌های خارجی کشور خود پخش کند یا اینکه سازمان دیپلماسی کشور به اهمیت نقش رسانه‌ها واقف نبوده و هماهنگی‌ها و برنامه‌ریزی‌های لازم را برای بهره‌برداری از رسانه‌ها نداشته باشد. بنابراین اهداف و سیاست‌های دیپلماسی یک کشور، وضعیت رسانه‌ها را در طیف مذکور مشخص می‌کند و نداشتن هدف و سیاست جامع و واقع‌بینانه، دیپلماسی رسانه‌ای را به سمت خنثی‌بودن سوق می‌دهد. اما بدیهی است کشورهای می‌توانند بیشترین بهره را از دیپلماسی رسانه‌ای ببرند که اولاً صاحب رسانه‌های فراملی باشند و ثانیاً از دانش و تخصص لازم در عرصه فعالیت‌های رسانه‌ای برخوردار باشند» (سییلان اردستانی، ۱۳۸۷: ۷).

تحلیل گفتمان انتقادی

با وجود آنکه تحلیل گفتمان ریشه در حدود ۲۰۰۰ سال علم تأویل متن دارد، به‌عنوان یک زمینه‌ی مستقل در علوم انسانی و علوم اجتماعی به‌طور دقیق‌تر از اواسط دهه ۱۹۶۰ پدیدار گشته است (کوبلی، ۱۳۸۷: ۵۹۸).

1. Cross-Discipline

تحلیل گفتمان انتقادی^۱ ارتباط میان کارکرد زبان و بافت‌های اجتماع زبان را که در بستر آن به کار می‌رود، باز می‌کاود. در این رویکرد مسائلی از قبیل قومیت، تفاوت‌های فرهنگی، ایدئولوژی و هویت و نیز نحوه شکل‌گیری آنها در صورت متن مطرح می‌باشد. تحلیل گفتمان انتقادی روش‌هایی را بررسی می‌کند که از آن طریق زبان از یک‌سو سبب ایجاد روابط اجتماعی می‌گردد و از سوی دیگر از طریق همین روابط شکل می‌گیرد. تحلیل‌گران انتقادی در وهله نخست، تحلیل جامعی از بافت متن را به دست می‌دهند و در گام بعدی به تبیین و تفسیر نتایج حاصل از آن می‌پردازند. در ادامه، متون مورد بررسی را ساخت‌گشایی می‌کنند و آن را به چالش می‌کشانند. بدین ترتیب که با بررسی ویژگی‌های زبانی متن، ایدئولوژی‌های نهفته در متن را باز می‌کاوند، گرایش‌های خاص و پیش‌انگاری‌های ایدئولوژیک لایه زیرین متن را تجزیه و تحلیل می‌کنند و آن را با متون دیگر و نیز تجربیات و عقاید افراد مرتبط می‌سازند (پالتریچ، ۱۳۹۹: ۲۹۰).

به گفته وداک، عنوان «تحلیل انتقادی گفتمان» در ژانویه ۱۹۹۱ توسط فرکلاف، فان‌دایک، کرس، فان‌لیوون و او ابداع شده است؛ زمانی‌که برای نشست مشترکی در دانشگاه آمستردام گرد هم آمده بودند تا در خصوص لزوم اتخاذ رویکردی انتقادی به تحلیل گفتمان، با یکدیگر مذاکره کنند. می‌توان گفت چنین جریانی، واکنشی انتقادی به نگرش‌های ناکافی به گفتمان و تحلیل آن در زبان‌شناسی کاربردی بود که سطح تحلیل زبان را به توصیفات صرف محدود می‌کرد (قهرمانی، ۱۳۹۳: ۳۶).

تحلیل گفتمان انتقادی پژوهش تحلیلی گفتمان است؛ پژوهشی که پیش از هر چیزی چگونگی سوءاستفاده از قدرت اجتماعی و نابرابری و تبعیض در بستر اجتماعی و سیاسی را مطالعه می‌کند. این رویداد در متن و گفت‌وگو وضع و بازتولید شده و مشروعیت یافته و مورد مقاومت قرار می‌گیرد. اصحاب تحلیل گفتمان انتقادی، با چنین پژوهش دگراندیشانه‌ای، موقعیتی صریح و روشن را اتخاذ می‌کنند و به این ترتیب خواستار فهم، آشکارسازی و سرانجام به‌چالش کشیدن نابرابری اجتماعی می‌شوند. این دلیل دیگری است که چرا تحلیل گفتمان انتقادی

می‌تواند به مثابه جنبش اجتماعی تحلیل‌گران گفتمانی، که از نظر سیاسی متعهد هستند، توصیف شود (فن‌دیک، ۱۳۹۵: ۸۱).

تحلیل گفتمان در پی آن است تا راه‌هایی را مشخص کند که از طریق آن، گفتمان به حفظ نابرابری‌های اجتماعی و سیاسی، سوءاستفاده از قدرت و الگوهای سلطه کمک می‌کند. از این رو یکی از مسائل اصلی نظری و تجربی در تحلیل گفتمان این است: چگونه ذهن انسان را می‌توان با استفاده از زبان گول زد، فریب داد یا دستکاری کرد. از طرف دیگر وندایک توصیه می‌کند که پژوهشگران تحلیل گفتمان نه تنها باید به توصیف برخی از ویژگی‌های جالب سخنرانی سیاسی بپردازند، بلکه در توضیح آنها نیز باید علاقه‌مند باشند. برای توضیح آنها ما نیاز داریم آنها را به چنین بازنمایی‌های اجتماعی شناختی به‌عنوان یکسری گرایش‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و ایدئولوژی‌ها مرتبط کنیم (گاوریلی، ۱۳۹۷: ۱۹۲-۱۹۳).

«گفتمان‌کاوی انتقادی» یا «تحلیل انتقادی گفتمان»، نام رویکرد خاصی است که توسط وندایک ساخته و پرداخته شده است. وندایک می‌گوید: پیش‌فرض اساسی گفتمان‌کاوی انتقادی، درک ماهیت قدرت و سلطه اجتماعی است. البته ماهیت قدرت از نگاه وندایک کاملاً مدرنیستی است و به هیچ‌وجه با برداشت فوکویی یا پست‌مدرنیستی از قدرت، تشابهی ندارد. او می‌گوید: «اگرچه شیوه‌های زیادی برای مطالعه و نقد نابرابری اجتماعی وجود دارد، ولی روش ما در پاسخ به این سؤالات بر نقش گفتمان در تولید و چالش سلطه متمرکز است. در اینجا سلطه را اعمال قدرت اجتماعی توسط نخبگان، نهادها یا گروه‌ها تعریف می‌کنیم که به نابرابری سیاسی، فرهنگی، طبقاتی، نژادی و جنسی می‌انجامد... ما به جای توجه به روابط اطاعت و پذیرش یا مقاومت از پایین به بالا به روابط سلطه از بالا به پایین توجه کرده‌ایم... رویکرد انتقادی ما ترجیحاً بر نخبگان و راهبردهای گفتمانی‌شان برای حفظ نابرابری متمرکز است (بهرامی کمیل، ۱۳۹۷: ۱۸۵).

تحلیل گفتمان انتقادی بر انواع پنهان‌تر ایدئولوژی‌ها که ممکن است کاملاً بدیهی انگاشته شوند، متمرکز می‌شود. وندایک بر بعد اجتماعی-شناختی ایدئولوژی تأکید کرده، آن را به مثابه جهان‌بینی‌هایی که شناخت اجتماعی را شکل می‌دهند، تعریف می‌کند (خسروی‌نیک، ۱۳۹۷: ۵۶).

ون‌دایک می‌گوید: «دستور زبان، جملات را زنجیره‌ای از کلمات توصیف می‌کند که با نظم و ترتیب خاصی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. بعضی از این زنجیره‌ها، جمله‌های دستوری و معنادار را می‌سازند و برخی دیگر خیر». ون‌دایک در ادامه زنجیره‌های کلامی را گونه‌ای از گفتمان منسجم می‌داند که به شکلی منظم به دنبال هم قرار می‌گیرند. از نظر او یک ساختار کلامی باید بتواند شرایط گوناگونی را که گفتمانی‌بودن زنجیره‌های جملات موجب می‌شوند، به‌خوبی توضیح دهد (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۵۶).

آرایش گفتمان‌های سیاسی در آستانه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

زندگی سیاسی در متن گفتمان‌های سیاسی سامان می‌گیرد و هر گفتمانی، امکانات گوناگون زیست سیاسی را در شکل خاصی محقق می‌سازد و به دولت، جامعه و فرد تعین و هویت ویژه‌ای می‌بخشد (فرقانی، ۱۳۸۲: ۲۵). این بدان معنی است که هر گفتمان، این هویت و خودفهمی‌ها را به شیوه ویژه‌ای تعریف می‌کند و برخی از امکانات زندگی سیاسی را متحقق و برخی دیگر را حذف می‌کند. نکته مورد نظر در بحث حاضر آن است که چون هر گفتمان سیاسی حاوی اصول و قواعدی است که کردارهای سیاسی را متعین می‌سازند، تحول گفتمانی لازمه تحول در آن کردارهاست. ساختار سیاسی حوزه‌ای است که در پرتو گفتمان شکل می‌گیرد و با تغییر گفتمان‌ها ساختارها دگرگون می‌شوند و از نو تعین می‌یابند. از سوی دیگر، استقرار و سلطه هر گفتمانی نیازمند پشتیبانی آن از جانب نیروها و قدرت‌هایی است (بشیریه، ۱۳۸۵: ۶۳).

گفتمان مدرنیسم پهلوی

این گفتمان عمده سیاسی در ایران را می‌توان با عنوان مدرنیسم ایرانی توصیف کرد که در عصر دولت مطلقه پهلوی استیلا یافت. این گفتمان مجموعه‌ای از عناصر پیچیده بود. نظریه شاهی در ایران قدیم، نظریه پاتریمونالیسم به وجه تاریخی آن و نظریه دولت مطلقه، عناصر غالب این گفتمان بودند. اما برخی عناصر فرعی مانند مشروطه‌خواهی، قانون‌گرایی، احترام به مذهب و مردم‌گرایی نیز در آن یافت می‌شد. ویژگی‌های اصلی این گفتمان سیاسی تمرکزگرایی، ناسیونالیسم، سنت‌ستیزی، عقل‌گرایی به معنای مدرنیستی آن و اقتدارطلبی بود (فرقانی، ۱۳۸۲:

(۲۷). ویژگی‌های مهم سیاست هویت‌ساز پهلوی عبارت بودند از: (۱) شوونیسم (ناسیونالیسم ایرانی افراطی)؛ (۲) شبه‌مدرنیسم یا مدرنیسم کاذب؛ (۳) سکولاریسم. با کسب منزلت هژمونیک توسط رضاخان در تقریر و تحکیم هویت خویش، پهلوی‌ها بار دیگر اسلام را به‌عنوان دگر ایدئولوژیک، مسلمان ایرانی را به‌عنوان دگر درونی و عرب را به‌مثابه دگر بیرونی خود تعریف و سعی کردند جغرافیای انسانی خود را جایی در درون مدار و حریم گفتمان غرب جست‌وجو کنند (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۷۷).

گفتمان مدرنیسم ایرانی در عصر پهلوی با تأکید بر احکام و مفاهیم مربوط به صنعتی‌کردن، ناسیونالیسم، سکولاریسم و تمرکز سیاسی موجب حذف نهادها و گروه‌های سنتی از صحنه سیاسی در ایران می‌شد (فرقانی، ۱۳۸۲: ۲۶). در گفتمان مدرنیسم پهلوی چندان جایی برای مشارکت و رقابت سیاسی وجود نداشت (بشیریه، ۱۳۸۵: ۶۹). مدرنیسم پهلوی با خصلت‌های وحدت‌گرایانه، ناسیونالیستی، نوسازانه و اقتدارطلبانه خود فضای جامعه سنتی را فرومی‌بست و تمایلاتی به‌سوی تمرکز و بهنجارسازی ایجاد می‌کرد. به‌طور کلی در پروژه مدرنیسم اولیه، سنت، مذهب، فرقه‌ها و گروه‌های قومی و حاشیه‌ای به‌عنوان «اگیار» [دیگران] حذف می‌شدند (فرقانی، ۱۳۸۲: ۲۷).

گفتمان ملی-لیبرال

گفتمان ملی‌گرای لیبرال، برآمده از تحولات سیاسی اجتماعی اواخر دهه بیست بود. این گفتمان توانست از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، به‌عنوان گفتمانی چیره در عرصه سیاسی فعال باشد (اخوان کاظمی و دهقانی، ۱۳۹۴: ۵۰). گفتمان ملی-لیبرال به‌عنوان گفتمانی ناسیونالیستی در کشاکش تعارضات اجتماعی رو به رشد، در مقابل نیروهای استعماری ظهور یافت و مبین رشد و آگاهی در برابر نفوذ بیگانگان در شئون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بود (نظری و سازمند، ۱۳۸۷: ۸۶). در عرصه عمل سیاسی نیز ملی‌شدن صنعت نفت، نقطه عطفی در طرح گفتمان ملی‌گرایی در عرصه سیاسی بود (حسینی، ۱۳۹۴: ۵۳) که به نوعی علت وجودی جبهه ملی به‌عنوان اصلی‌ترین نماینده این گفتمان شد (قیصری، ۱۳۸۵: ۱۵۸). گروه‌ها و شخصیت‌های این حوزه گفتمانی با متشی مرکب از ملی‌گرایی

و آزادی‌خواهی به فعالیت سیاسی می‌پرداختند. اوج این ترکیب را می‌توان در اساسنامهٔ جبههٔ ملی دید: «هدف جبهه، ایجاد حکومت ملی به‌وسیلهٔ تأمین آزادی انتخابات و آزادی افکار است» (زارعشاهی، ۱۳۸۰: ۱۶).

گفتمان ملی‌گرایی در ایران را می‌توان ذیل مفهوم مدرن «ناسیونالیسم» تحلیل کرد. گفتمان ملی‌گرایی، به‌شدت تحت‌تأثیر این آموزه بود و تماماً به ایران به‌عنوان یک واحد ملی در سیستم دولت-ملت نگاه می‌کرد. محور یا گره‌گاه اصلی این گفتمان را می‌توان مفهوم «منافع ملی» دانست. منافع ملی، چه در تحلیل‌های داخلی و چه مسائل بین‌المللی، بدون دغدغه‌های ایدئولوژیک، نظری و... به نظر ملی‌گرایان، اساس تحلیل و تصمیم‌گیری محسوب می‌شد. بر این اساس، گفتمان ملی‌گرایی حول منظومه کلماتی همچون منافع ملی، هویت ایرانی، گرایش به ایران باستان و سلطنت قدیم و باستانی شکل می‌گرفت که در گرایش اخیر، یعنی «باستان‌گرایی» به‌دلیل هماهنگی با گفتمان رسمی کشور در عصر پهلوی، اصولاً هیچ‌گونه مفهوم اپوزیسیونی وجود ندارد. به‌رحال گفتمان ملی‌گرایی در منظومهٔ نظری خود، به‌شدت رنگی مدرن داشت و ناسیونالیسم ایرانی را تبلیغ می‌کرد و در ابعاد فکری «پروژه هویت» را دستمایهٔ عزیمت خود قرار داده بود (حسینی، ۱۳۹۴: ۵۴-۵۵).

نوع رادیکال این گفتمان بر دموکراسی غربی، ملی‌گرایی ایرانی و جدایی دین از سیاست تأکید می‌کرد و حکومت مذهبی را در هر شکل آن برنمی‌تابید. این گفتمان بازسازی جامعه براساس احکام اسلامی را در دنیای مدرن ناممکن می‌دانست (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۷۸). گفتمان ملی‌گرایی بر هویت ملی تأکید می‌کرد و استقلال شکوفایی و پیشرفت و ترقی ایران را عمده‌ترین هدف قرار داده بود (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۷۹). مبانی فکری این گروه را می‌توان در این موارد خلاصه کرد: تفاخر ملی یا وطن‌پرستی، باستان‌ستایی (با تأکید بر دوران هخامنشی)، بیگانه‌ستیزی، ایرانیت به جای اسلامیت (غیرسازی با مذهب)، سکولاریسم و پذیرش نظام شاهنشاهی (مظفری، ۱۳۸۵: ۱۸۲-۱۸۹). دال‌هایی چون قانون، ملیت، حاکمیت ملی و دفع استعمار در آن مورد تأکید بود. برخی نظرات ذیل این حوزهٔ گفتمانی نیز به‌دنبال اصلاحات و تشویق مردم به عمل و افزایش آگاهی مردم، از طریق بازیابی و بازتفسیر سنت‌های مذهبی و فرهنگی بودند (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۱۹-۱۲۰).

در مواجهه جامعه ایرانی با لیبرالیسم غربی، دو شکاف مهم روی داده است؛ نخست شکاف سنت و تجدد و دیگری جدایی دین از سیاست (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۳۴). مفهوم محوری این گفتمان (در ترکیب با ناسیونالیسم) «مشروطیت ایران» را به نحوی که در قانون اساسی مشروطیت نمود یافته بود، شکل می داد. گروه های ذیل این گفتمان، به موازین قانون اساسی و بر ابعاد سیاسی آن بیشتر تأکید داشتند. بنابراین مفاهیمی چون استقلال سیاسی، حاکمیت قانون، مشروطیت یا نفی استبداد نسبت به مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، از اهمیت بیشتری برخوردار بودند. این واژگان از یک سو بیانگر وضع سیاسی آرمانی و از سوی دیگر به معنای نامطلوب بودن وضع سیاسی بودند. در این گفتار سیاسی، واژگانی چون استبداد، سلطه و نفوذ خارجی برای تبیین و توصیف دگر سیاسی به کار می رفت (قیصری، ۱۳۸۵: ۱۵۸). اقتصاد آزاد و دولت کوچک نیز دو دال دیگر این گفتمان بود (حسینی، ۱۳۹۴: ۶۰).

گفتمان مارکسیسم

مارکسیسم بخشی از اندیشه های غربی است که به صورت انتقادی نسبت به پیدایش نظام سرمایه داری در درون آن ظهور کرد (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۴۳). مارکسیسم به شعبه های مختلفی متناسب با رهبران بعد از مارکس و انگلس، مانند لنین، استالین، مائو و دیگران تقسیم می شود (مظفری، ۱۳۸۵: ۱۸). فعالیت های احزاب و گروه های وابسته به این گفتمان سابقه طولانی در کشور دارند که اوج فعالیت این گفتمان توسط حزب توده در سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ بود (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۴۵) که بعد از کودتای ۲۸ مرداد عملاً فعالیت های گروه های ذیل این گفتمان با کاهش شدید مواجه شد.

مبانی فکری و عقیدتی سنت مارکسیستی بر این موارد مبتنی است: ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی، نفی خداوند، دین و مذهب، زندگی اشتراکی و نفی خانواده، نفی مالکیت خصوصی، زیربنابودن اقتصاد و روبنابودن سایر حوزه ها همچون سیاست و فرهنگ و تضاد طبقاتی (مظفری، ۱۳۸۵: ۱۶۷-۱۶۸). ضدیت با مالکیت خصوصی و ترویج مالکیت عمومی، دشمنی با هر نوع سرمایه داری و تأکید بر سرمایه داری دولتی و سیاست های اقتصادی دولت محور و سوسیالیستی، ضدیت با امپریالیسم که نماد

آن را با توجه به رقابت دولت‌ها در آمریکا می‌دیدند، از مهم‌ترین مؤلفه‌های گفتمان مارکسیستی در ایران به شمار می‌آید (نریمان، ۱۳۹۰: ۳۰).

محوریت گفتار سیاسی این گفتمان، بر پایهٔ برابری طبقاتی بود که در پوشش مفهوم جذاب مساوات کامل اجتماعی معرفی می‌شد. مفاهیمی چون نابرابری طبقاتی، استثمار، بهره‌کشی استبداد، دیکتاتوری و استعمار علاوه بر اینکه برای بیان وضع تودهٔ مردم ایران استفاده می‌شد برای تبیین و توصیف وضعیت واژهٔ «دگر» نیز کاربرد داشت. در این گفتار سیاسی، تودهٔ مردم ایران را استثمارشده، استعمارزده و نابرخوردار از فرصت‌ها و امکانات موجود در جامعه توصیف می‌کردند و طبقهٔ برخوردار را عبارت می‌دانستند از استعمارگران داخلی، یعنی اربابان و صاحبان کارخانجات و صنایع (سرمایه‌داران محلی) و استعمارگران خارجی که عمدتاً به حضور انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها در ایران اشاره داشت و رابطهٔ آنها با توده‌ها مفهوم استثمار یا بهره‌کشی را قوام می‌بخشید. به این ترتیب دگر یا دشمن تودهٔ ایران طبقهٔ استثمارگر داخلی و امپریالیست‌ها یا کشورهای انگلستان و آمریکا بودند (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۵۱). نیروی رهایی‌بخش و آوانگارد هم براساس سنت مارکسیسم، طبقهٔ کارگر به رهبری حزب توده بود که شوروی را حامی خلق‌های استثمارشده و استعمارزده معرفی می‌کرد.

گروه‌های ذیل این گفتمان با توجه به تنوع‌های اجتماعی و فرهنگی در ایران، عبارت «خلق‌های تحت ستم» را به کار بردند. حزب توده، مثلاً در نخستین کنفرانس موقتی در مهر ۱۳۲۱ علاوه بر دعوت برای اتحاد شهروندان علیه فاشیسم، برای جذب توده‌ها، به‌ویژه کارگران، دهقانان، زنان و قشرهایی از طبقهٔ متوسط مانند روشنفکران، خرده‌مالکان، پیشه‌وران و کارمندان سطح پایین، پیشنهادهای سوسیالیستی ویژه‌ای طرح کردند. آنها در این برنامه، همچنین عدم وابستگی ملی به همهٔ اشکال استعمار و امپریالیسم، حفظ آزادی‌های مدنی و حقوق انسانی، رعایت قانون اساسی به‌ویژه اصل تفکیک دو قوهٔ قضائیه و مجریه و تشکیل دادگاه عالی ویژه برای محاکمه مقامات دولتی که در آن سال‌ها قانون اساسی را نقض کرده‌اند، خواسته شده بود (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۳۴۹-۳۵۰).

اسلام سیاسی

گفتمان «اسلام سیاسی» یا «اسلام‌گرایی»، دارای سابقه‌ای طولانی در تاریخ ایران بود و تبار خود را به شکل‌گیری دولت‌های شیعی در ایران در عصر آل‌بویه می‌رساند. نگاهی به فعالیت گروه‌های مختلف ملی و مذهبی در حوالی سال ۱۳۰۰ خورشیدی، نشان از آن داشت که به‌رغم ضربه‌ای که مشروطه و روند غرب‌گرایی بر پیکره اسلام‌گرایی در ایران و به‌خصوص مذهب در عرصه سیاست زده بود، متدینین تلاش‌هایی برای احیای روند اسلام‌گرایی با رویکرد جدید که اساس آن انطباق دین با فضای جدید فکری دنیا بود، آغاز کردند (جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۳). با این حال، این روند در دوران پس از مشروطه در حرکت جمعی از روحانیون همچون مرحوم آیت‌الله کاشانی و مرحوم سیدحسن مدرس به‌روشنی پدیدار شد. مرحوم مدرس در یکی از اظهارنظرهای خود «سیاست را عین دیانت خود و دیانت را عین سیاست خود» می‌داند و حضور خود را در عرصه سیاسی، نمایندگی مردم در مجلس شورای ملی و... از جمله این حرکت‌های اسلامی می‌شمارد (حسینی، ۱۳۹۴: ۶۱).

بعد از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی به‌وجودآمده در دهه ۲۰ شمسی، جریان‌های مذهبی زیادی در کشور فعال می‌شوند. آنها با رفتن رضاخان بیش از همه گروه‌های دیگر خوشحال‌تر بودند و برای مبارزه با بی‌دینی‌های گذشته، چهار جهت کلی برای مقابله داشتند: ۱- مبارزه با کسروی، ۲- مبارزه برای حجاب، ۳- مبارزه با مارکسیسم و الحاد و ۴- مبارزه با بهاییان (جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۷-۳۴). در این بین، با آغاز فعالیت‌های مذهبی-سیاسی مراجع تقلید و واکنش علما به مبارزه با روحانیت، انجمن‌ها و شخصیت‌ها و تشکل‌های مذهبی-سیاسی متعددی فعال شدند و نشریه‌های متعددی نیز منتشر گردید (جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۲۰-۲۲۶). از جمله این ده‌ها تشکل، می‌توان به جمعیت فداکاران اسلام، انجمن تبلیغات اسلامی، اتحادیه مسلمین، جامعه تعلیمات اسلامی، نهضت خدایپرستان سوسیالیست و پدیده این تشکل‌ها یعنی فداییان اسلام اشاره کرد (مظفری، ۱۳۸۵: ۵۷-۷۶). نقش پررنگ گروه‌ها و شخصیت‌های مذهبی نیز در ماجرای نهضت ملی‌شدن نفت جلوه دیگری از این فعالیت‌هاست.

روش تحقیق

در این تحقیق، برای تحلیل و تبیین رویکرد «ویژه‌برنامه‌های شصتمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد» در تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی و همچنین رسیدن به لایه‌های نهانی متن‌ها و کشف نظام ایدئولوژیک حاکم بر آنها از روش پژوهشی تحلیل گفتمان، استفاده شده است.

در این تحقیق بنا به توضیحاتی که در مورد روش تحلیل گفتمان به‌خصوص روش گفتمان کاوی و ندادیک ارائه شده است، از همین روش و رویکرد در فرایند گفتمان کاوی «ویژه‌برنامه‌های شصتمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد» در تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی نسبت به موضوع «کودتای ۲۸ مرداد» استفاده شده است.

عملیاتی کردن یا مقوله‌سازی

یکی از مراحل اصلی در تحلیل گفتمان، عملیاتی‌کردن مباحث نظری یا به عبارتی، تعیین متغیرها جهت تحلیل متن و گفتمان است. از آن‌جا که این پژوهش برای تحلیل متون «ویژه‌برنامه‌های شصتمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد» بر مبنای شیوه تحلیلی و دیدگاه‌های و ندادیک سامان‌یافته است، متغیرها و مقوله‌های مورد استفاده به شرح ذیل هستند:

۱) واژگان^۱

واژه‌پردازی قلمرو عمده و شناخته‌شده بیان و افناع ایدئولوژیک است. در این زمینه می‌توان به جفت معروف "تروریست‌ها" در مقابل "مبارزان راه آزادی" اشاره کرد. اهل زبان برای اشاره به اشخاص گروه‌ها، روابط اجتماعی با موضوعات اجتماعی یکسان، معمولاً بنا بر نوع گفتمان، بافت شخصی (وضعیت روحی، عقیده، دیدگاه)، بافت اجتماع (رسمی بودن، آشنایی، عضویت در گروه، روابط سلطه) و بافت اجتماعی- فرهنگی (گونه‌های زبانی، گویش اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها) امکان انتخاب چندین کلمه را دارند. بسیاری از این بافت‌ها منشأ ایدئولوژیک دارند. همین‌طور، این امر در مورد بازنمایی مشارکین گفتار و روابط متقابل آنان در مدل‌های بافتاری و بازنمایی مشارکین و کنش‌ها در مدل‌های رویدادی نیز مصداق پیدا می‌کند (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۴۴۲).

1. Lxicon

۲) افراد و نهادهای مطرح شده در متن

براساس این مقوله، می‌توان پی برد که نهادها، ارگان‌ها یا مؤسساتی که در خبرها نام‌برده شده‌اند به صورت مثبت مطرح شده یا در جایگاه منفی قرار گرفته‌اند. این مقوله حاوی داوری کنشگر متن درمورد افراد و نهادهای ذکر شده در متن خبری است و در نهایت به تحلیل مرزبندی‌های متن یاری می‌رساند (فرامرزیانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۰).

۳) قطب‌بندی^۱ یا غیرسازی (ارزش‌های منتسب به «خود» و «دیگری»)

این مقوله یا کار ویژه دارای دو زیرمقوله مشخص است؛ نحوه توصیف و معرفی «خود» یا ارزش‌های منتسب به «خود» و نیز توصیف و معرفی «دیگری» یا ارزش‌های منتسب به «دیگری» در متن خبر. در حوزه جنگ روانی و تبلیغات سیاسی، غیرسازی یا قطب‌بندی اهمیت اساسی دارد (فرقانی، ۱۳۸۲: ۵۰-۵۱).

۴) استناد یا ذکر شواهد در متن

نقل قول از شواهد، کارشناسان معتبر مثلاً در گزارش‌های خبری. ممکن است این ساختارها و بسیاری از ساختارهای ظریف دیگر، به‌عنوان عامل کنترل‌کننده و هدایت‌گر فرایندهای فهم تعبیر شوند، به طوری که خواننده/شنونده مدل‌های ترجیحی را بسازد. براساس هدفی که از به‌حاشیه‌راندن گروه‌های زیرسلطه بیان می‌شود، ما عموماً انتظار داریم که ساختار و راهبردهای گفتار مسلط به اشکال مختلف مثبت‌نشان‌دادن خود و منفی‌نشان‌دادن دیگران، معطوف شود (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۲۰۶).

۵) پیش‌فرض‌ها^۲

فرا ساختارهایی که اغلب در فلسفه و نظریه منطقی مورد بحث قرار می‌گیرند، استدلال و برهان هستند. طرح‌واره بنیادی این ساختارها مشترک است؛ یعنی توالی فرض (مقدمات) - استنتاج. این ساختار در برهان صوری پاره‌گفتارهای استدلالی و زبان روزمره ارتباطی، هر سه یافت می‌شود (ون‌دیک، ۱۳۹۴: ۲۱۲).

1. Polarization
2. Presuppositions

۶) دلالت‌های ضمنی^۱ متن (تلقین و تداعی)

مهم‌ترین مفاهیم معناشناختی در تحلیل انتقادی اخبار، مفاهیم مسئله‌ضمنی است. بیشتر اطلاعات یک متن صریحاً نمی‌شود، بلکه حالت ضمنی دارد. کلمات، بندها و سایر عبارات یک متن ممکن است بر مفاهیم و گزاره‌هایی دلالت داشته باشند که می‌توان از دانش زمینه‌ای به آنها پی برد. این ویژگی گفتمان و ارتباطات دارای ابعاد ایدئولوژیکی مهمی است. گاهی اوقات تحلیل «ناگفته‌های» یک در متن بخشی از مطالعه آنچه واقعاً متن بیان شده روشن‌تر است. مفاهیم ضمنی دارای انواع متفاوتی‌اند: استلزام‌ها، پیش‌فرض‌ها و اشکال ضعیف‌تری چون اشاره و تداعی (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۳۳۳).

۷) مؤلفه‌های اجماع و توافق در متن

ون‌دایک برای توضیح این مقوله می‌گوید که به‌عنوان مثال، دولت‌های غربی از طریق اطلاع‌رسانی شهروندان خود را از عواقب نامطلوب و ناخوشایند مهاجرت آگاه می‌کنند. بدین ترتیب، نگرش شهروندان کشورهای غربی نسبت به مهاجرت متأثر می‌گردد (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۳۶۲).

۸) گزاره‌های اساسی متن

ساختار متن در سطح کلان مانند اینکه متن چگونه آغاز شده، چگونه استمرار یافته و چگونه خاتمه و در نتیجه چگونه معنای نهایی در آن پرورده شده است، مورد می‌گیرد (خانیک، ۱۳۹۲: ۲۶۸). به عقیده ون‌دایک گزاره‌ها در مجموعه انسجام موضعی یک متن قرار دارند. از این رو در یک متن، باید گزاره‌ها به واقعیات مرتبط با هم دلالت کنند. این ارتباط ممکن است زمانی، شرطی، علی یا تبعی باشد. به لحاظ مفهومی نیز این گزاره‌ها با هم در ارتباط هستند (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۲۲۹-۲۳۱).

متن مورد مطالعه

در روش تحلیل گفتمان، واحد تحلیل از کلمه فراتر است. واحد تحلیل می‌تواند براساس موضوع، شاخص‌ها، اهداف، متغیرها و مؤلفه‌های تحقیق شامل یک جمله، عبارت، بند، صفحه یا متن کامل باشد (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۲۸). واحد تحلیل در این تحقیق، گزارش انتخاب شده است.

1. Implication

جامعه‌موردبررسی موردنظر در این پژوهش، مجموعه‌ی ویژه‌برنامه‌هایی که به مناسبت شصتمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد توسط شبکه‌ی بی‌بی‌سی فارسی تهیه و در فاصله‌ی ۲۵ مرداد تا شهریور ۱۳۹۲ پخش شد. این ویژه‌برنامه‌ها، برنامه‌های متنوعی اعم از گزارش‌های خبری (مصدق در رسانه‌های آمریکا، مصاحبه با کرمیت روزولت، نگاهی به وقایع ۲۵ تا ۲۸ مرداد و...)، مصاحبه (به عبارت دیگر مصاحبه با آبراهامیان، برنامه‌های خبری، و...)، تعاملی (نوبت شما)، میزگرد (پرگار، صفحه‌ی ۲ آخر هفته)، فیلم سینمایی و مستند (آپارات) را شامل می‌شد.

در این تحقیق، از بین گزارش‌های «ویژه‌ی کودتای ۲۸ مرداد» ۷ گزارش که گفتمان بی‌بی‌سی بیشترین ظهور و بروز را در آنها داشت، شناسایی و بررسی شد.

تحلیل و بررسی متن گزارش‌های «ویژه‌ی شصتمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد»

گزارش‌های ویژه‌ی کودتای ۲۸ مرداد در مرداد و شهریورماه سال ۱۳۹۲ از تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی، به مناسبت شصتمین سالگرد این کودتا، تهیه و پخش شد. در اینجا به دلیل محدودیت تنها تحلیل دو عدد از گزارش‌ها برای نمونه آورده شده است.

یافته‌ها

گزارش دوم: مطالب رسانه‌های آمریکا در دوران مصدق، درمورد او و کودتای ۲۸ مرداد

استخراج اطلاعات گزارش دوم:

واژگان:

مثبت: آزادی‌خواه، نجیب‌زاده، مرد سال ۱۹۵۱، دشمن بیگانگان، عطیه‌ای برای غرب و عامل آسودگی خیال.

منفی: کج‌خلقی‌ها، جادوگری پیر، جنون سیاست‌های استعماری و حامیان سرخ.

افراد و نهادها:

هری ترومن، مجلهٔ تایم، جرج واشنگتن، نیویورک تایمز، توماس جفرسون ساتردی ایونینگ پست، وال استریت ژورنال، واشنگتن پست، سی‌آی‌ای.

استناد:

تصویر روی جلد مجلهٔ تایم از دکتر مصدق به‌عنوان مرد سال ۱۹۵۱، پخش گزارش تلویزیونی British Pahte به زبان اصلی.

قطب‌بندی:

جبههٔ ملی:

- ❖ مجلهٔ تایم، محمد مصدق را به‌عنوان مرد سال ۱۹۵۱ در سال اول نخست‌وزیری او انتخاب کرده بود.
- ❖ مقالهٔ مجلهٔ تایم از آقای مصدق به‌عنوان جرج واشنگتن ایران نام می‌برد.
- ❖ نیویورک تایمز، او را دشمن بیگانگان نامید و مصدق را با آزادی‌خواهانی چون توماس جفرسون از بنیان‌گذاران ایالات‌متحده مقایسه کرد.

آمریکا:

- ❖ رسانه‌های آمریکایی آقای مصدق را یک آزادی‌خواه معرفی می‌کردند.
- ❖ پوشش خبری آنها (رسانه‌های آمریکا) از مصدق و کودتا دقیقاً براساس تبلیغات سی‌آی‌ای بود.
- ❖ حزب توده و کمونیست‌ها:
- ❖ (مطبوعات آمریکا) رد پای حزب توده را در همهٔ رخدادها می‌دیدند.
- ❖ کمونیست‌ها در پی به دست گرفتن ایران و نفت آن هستند.

پیش فرض:

- ❖ نقش آمریکا و غرب در جریان کودتا آن قدر هم که اصرار دارند، تعیین کننده و اصلی نبود (سیا در مورد نقش خود در کودتا غلو می کند).

دلالت های ضمنی متن:

تلقین:

- ❖ مسبب و عامل به وجود آورنده و تشدیدکننده بحران های سال های ۳۱ و ۳۲ در ایران، حزب توده و کمونیست ها بودند.

اجماع:

خبرنگار بی بی سی با ستایش از خدمات دکتر مصدق و ترسیم چهره یک قهرمان ملی از وی، ضمن تأکید بر گفتمان «استعمارستیزی» دکتر مصدق؛ گفتمان «ملی- لیبرال» را برجسته می کند و تأکید وی در دفاع از منافع ملی را عامل بدگویی رسانه های غرب از او عنوان می کند.

گزاره های اساسی:

- ❖ دکتر مصدق فردی قابل احترام، اما غیر قابل درک بود.
- ❖ نیویورک تایمز، او را دشمن بیگانگان نامید و مصدق را با آزادی خواهانی چون توماس جفرسون از بنیان گذاران ایالات متحده مقایسه کرد.
- ❖ مصدق در عرصه سیاست ایران، فرد بزرگ، قوی و خوبی بود.

گزارش پنجم: پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد

استخراج اطلاعات گزارش پنجم:

واژگان:

مثبت: قهرمان ملی، اصلاحات اقتصادی و اجتماعی، اعتماد به نفس، اصلاحات ارضی، مذاکره، گام های جدیدی در عرصه روابط بین المللی، معالجه زخم، منفی: سرنگونی، تیره و تار، خیانت، محاکمه، زندانی، تبعید، تحریم، رستاخیز،

سرکوب مخالفان، اختناق سیاسی، بزرگ‌ترین متحد، حامی خارجی، مطیع بی‌چون‌وچرا، تندرو، اشغال، گروگان، زخم چرکی، انقلاب دوم، اشباح تاریخ.

افراد و نهادها:

شاه: ستاد کودتا، سازمان اطلاعات و امنیت کشور ساواک.
آمریکا: اوباما، جان لین‌برت از گروگان‌های سفارت آمریکا در تهران.
گروه‌های مذهبی: گروهی از دانشجویان تندرو، عباس عبدی از تصرف کنندگان سفارت آمریکا.

قطب‌بندی:

- دکتر مصدق و جبهه ملی:
- ❖ مصدق می‌گفت شما باید سلطنت کنید نه حکومت و مشروطه سلطنتی.
 - ❖ آمریکا:
 - ❖ اوباما: آمریکا در میانی جنگ سرد در سرنگونی دولت وقت ایران که به‌صورت دمکراتیک انتخاب‌شده بود نقشی بازی کرد.
 - شاه و نیروهای طرفدار سلطنت:
 - ❖ اعتمادبه‌نفس شاه بعد از کودتا و بالاتر رفتن درآمد نفت خیلی بیشتر شد.
 - ❖ کودتای ۲۸ مرداد مشروعیت مشروطیت و مشروعیت خود سلطنت را در ایران از بین برد.
 - ❖ سرکوب مخالفان، فصلی طولانی از اختناق سیاسی به وجود آورد.
 - ❖ شاه اصلاحات اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای آغاز کرد.
 - ❖ منتقدان شاه او را مطیع بی‌چون‌وچرای آمریکا می‌دانستند.
 - ❖ شاه به تشخیص خودش عمل می‌کرد. حتی به آمریکا دیکته می‌کرد.

گروه‌های مذهبی:

- ❖ انقلاب ایران، انقلاب علیه آمریکا هم بود.
- ❖ زمینه افتادن رهبری انقلاب به دست اسلام‌گراها.
- ❖ شاه نمی‌توانست مسجدها و بازارها را از بین ببرد؛ آنچه باقی ماند، تشکیلاتی بود که بیش از همه فرصتی برای جنبش خمینی فراهم می‌کرد.
- ❖ مقام معظم رهبری: از ۲۸ مرداد ۳۲ تا امروز در هر موردی که مسئولان این کشور به آمریکایی‌ها اعتماد کردند، ضربه خوردند.

استناد:

یرواند آبراهامیان - اسناد تاریخ ایران در کالج باروک نیویورک، گری سیک - عضو پیشین شورای امنیت آمریکا، عباس عبدی - از تصرف‌کنندگان سفارت آمریکا در تهران، جان لین‌برت - مدیر پیشین بخش ایران در وزارت خارجه آمریکا، سخنان مقام معظم رهبری، اوباما، حسن روحانی.

پیش‌فرض:

- ❖ کودتای ۲۸ مرداد تاریخ را دگرگون کرد.
- ❖ عامل به‌وجود آمدن انقلاب، کودتای ۲۸ مرداد بود.
- ❖ ایران بدون نفت درآمدش نابود است.
- ❖ مذهبی‌ها اهل گفت‌وگو و منطق نیستند، مشی و روش آنها خشونت و ویرانگری است.
- ❖ مذاکره راهی برای از بین بردن سوءتفاهم‌ها و دلخوری‌های گذشته است.

دلالت‌های ضمنی:

تداعی:

- ❖ تحریم بین‌المللی نفت در آن زمان، تداعی‌کننده تحریم اخیر جمهوری اسلامی به‌خاطر مسئله هسته‌ای است.

تلقین:

- ❖ اسلام‌گراها و مذهبی‌ها خشن هستند (با نشان دادن تصویر اسلحه و چاقو روی سر مجسمه شاه، مربوط به دوران مبارزه و انقلاب).
- ❖ آمریکا درصدد رفع اشتباهات گذشته و عذرخواهی است.
- ❖ غیرمنطقی، یک‌دنده و لجاجت‌پسند بودن مسئولان جمهوری اسلامی.
- ❖ شاه نه تنها دارای استقلال بود، بلکه نظرات و عقاید خود را به آمریکایی‌ها دیکته و تحمیل می‌کرد.

اجماع:

نویسنده متن در تلاش است تا از منظر رابطه ایران و آمریکا، به واقعه کودتای ۲۸ مرداد بنگرد و مخاطب را بر سر این مسئله با خود همراه سازد که هرچند آمریکایی‌ها با اشتباه خود، یعنی کودتا، منجر به سقوط دولت دموکراتیک مصدق شدند و به افزایش دیکتاتوری در کشور کمک کردند، اما پیامدهای این اقدام در ایجاد موج احساسات ضدآمریکایی در بین مردم ایران و مصمم شدن مخالفان در مبارزه با حکومت مورد تأیید آمریکا، یعنی نظام سلطنتی و درنهایت سقوط رژیم شاه، پاسخ اشتباه آنان بود. در واقع آنچه در گزارش اتفاق می‌افتد تخریب گفتمان «اسلام سیاسی» و خشن نشان دادن آن است؛ در مقابل با ترسیم روحیه مذاکره و گفت‌وگویی طرف آمریکایی، ایرانی‌ها را مقصر شرایط فعلی نشان دهد. کنشگر متن، به دنبال مقدمه‌سازی برای انجام گفت‌وگوهای دوجانبه ایران و آمریکا و کنار گذاشتن اختلافات گذشته است و در این میان رهبران آمریکا افرادی مشتاق به مذاکره و صلح‌طلب و در مقابل رهبران انقلاب افرادی کینه‌جو تصویر می‌شوند که با دستاویز قراردادن کودتای ۲۸ مرداد، همچنان خواهان ادامه روابط خصمانه با جهان غرب- و به خصوص آمریکا- هستند.

گزاره‌های اساسی:

- ❖ کودتای ۲۸ مرداد تأثیرات عمیقی در جامعه ایران داشت که این تأثیرات تا زمان حال ادامه پیدا کرده است.

❖ دولتی جدید در ایران بر سرکار آمده است که از تلاش برای جلب اعتماد بین‌المللی و احتمال گفت‌وگو با آمریکا سخن می‌گوید.

گفتمان گزارش‌های «ویژه شصتمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد»

در گزارش اول با پرداختن به زندگی مصدق و بررسی فراز و فرود زندگی وی و نیز تأکید بر چهره مردمی او، به تقویت گفتمان «ملی- لیبرال» می‌پردازد.

در گزارش دوم جهت‌گیری مطبوعات آمریکا با اشاره به انتخاب وی به‌عنوان مرد سال ۱۹۵۱ و به‌دنبال تمجید از شخصیت مصدق و تأکید بر وجهه بین‌المللی وی، به‌منظور ساخت اسطوره ملی و برجسته‌کردن گفتمان «ملی- لیبرال» است.

گزارش سوم به‌بانه بررسی اتفاقات روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد، با برجسته‌کردن اتفاقات و چهره‌های داخلی کودتا تلاش دارد تا نقش غرب و آمریکا را در طراحی، برنامه‌ریزی و اجرای کودتا کم‌رنگ کند و به مقابله با گفتمان «استعمارستیزی» و با مطرح کردن ادعای ارتباط آیت‌الله کاشانی با کودتاگران گفتمان «اسلام سیاسی» را تضعیف می‌کند.

گزارش چهارم که مصاحبه‌ای منتشرنشده از روزولت، یکی از عوامل عملیاتی کودتا با بی‌بی‌سی است، با بیان موفقیت کودتا از زبان طراح اصلی کودتا گفتمان «ابرقدرتی آمریکا» را بازتولید می‌کند.

در گزارش پنجم با هدف زمینه‌سازی برای روابط ایران و آمریکا، با حمله به گفتمان «استعمارستیزی» و با برجسته‌کردن کینه‌های انقلابیون از دولت آمریکا، گفتمان «اسلام سیاسی» را تخریب می‌کند. از سوی دیگر با برجسته‌کردن گفتمان «صلح‌طلبی» دولت‌مردان آمریکا، رهبران ایران را افرادی کینه‌جو و مقصر اصلی رابطه‌نداشتن نزد مخاطب جلوه می‌دهد.

در گزارش ششم تلاش شده با تبیین سهم نیروهای داخلی در موفقیت کودتای ۲۸ مرداد و با بزرگ‌کردن این عوامل و نیروها به کاهش نقش تجاوزکارانه انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها در کودتا پردازد. همچنین این گزارش با تمرکز بر نقش

منفی‌ای که برای آیت‌الله کاشانی قائل است و با زیر سؤال بردن وی به‌عنوان نماد گفتمان «اسلام سیاسی»، افراد با این گفتمان را افرادی فرصت‌طلب و قدرت‌طلب نشان می‌دهد.

گزارش هفتم با بررسی دلایل و روند شکل‌گیری کودتای ۲۸ مرداد، به توجیه دخالت آمریکا در ایران ذیل گفتمان «لیبرالیسم» می‌پردازد. این گزارش در راستای هدف خود با ساخت «آمریکای بی‌طرف و نگران گسترش کمونیسم»، گفتمان «ابرقدرتی آمریکا» را برای مقابله و مبارزه با بسط ایدئولوژی و گفتمان «مارکسیسم» شکل می‌دهد. درواقع آمریکا به‌عنوان قیم دنیا این حق را برای خود قائل می‌شود که در دفاع از جهان آزاد، به ایران تجاوز و در امور داخلی او دخالت کند.

یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۱- گزارش‌های «ویژه شصتمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد» و از نظر گفتمان‌های ساخته‌شده درخصوص نیروهای درگیر در کودتا

گزارش‌ها	گزارش‌های «ویژه شصتمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد»
گزارش اول	تقویت گفتمان «ملی- لیبرال»
گزارش دوم	برجسته‌کردن گفتمان «ملی- لیبرال»
گزارش سوم	تضعیف گفتمان «استعمارستیزی» تضعیف گفتمان «اسلام سیاسی»
گزارش چهارم	گفتمان «ابرقدرتی آمریکا»
گزارش پنجم	تخریب گفتمان «مدرنیسم پهلوی»، حمله به گفتمان «اسلام سیاسی»، گفتمان «صلح‌طلبی»، گفتمان «اعتدال»
گزارش ششم	تضعیف گفتمان «مارکسیسم»، تضعیف گفتمان «اسلام سیاسی» و برجسته کردن گفتمان «ملی- لیبرال»
گزارش هفتم	گفتمان «ملی- لیبرال»، گفتمان «ابرقدرتی آمریکا»، رد گفتمان «مقاومت» و تضعیف گفتمان «اسلام سیاسی»

خلاصه یافته‌ها

به‌طورکلی، باید گفت این ویژه‌برنامه‌ها به‌خصوص گزارش‌های بررسی‌شده، هم‌راستا با دیپلماسی رسانه‌ای انگلیس و غرب تلاش می‌کند دخالت مستقیم دولت‌های غربی را در امور داخلی ایران توجیه کند. در تشریح اقدامات رسانه‌ای که در قالب گزارش‌ها به مخاطبان ایرانی ارائه شد، می‌توان گفت این کار به‌وسیله پرنرگ‌ترکردن نقش سایر عوامل همچون نیروهای داخلی کودتا، حضور مردم در کنار کودتاگران و همکاری آیت‌الله کاشانی با انگلیسی‌ها و پرنرگ جلوه‌دادن خطر کمونیسم و حزب توده صورت گرفته است. این فرافکنی در حالی از سوی بی‌بی‌سی فارسی صورت می‌گیرد که تغییرات جدیدی در وضعیت سیاسی داخلی ایران در سال ۱۳۹۲ رخ داده است. با روی کار آمدن دولت آقای روحانی در خردادماه ۹۲ و تلاش برای تدارک دور جدید مذاکرات از سوی طرف ایرانی، طرف غربی نیز از موضع‌گیری تازه جمهوری اسلامی استقبال کرد. بی‌بی‌سی فارسی به‌عنوان بازوی رسانه‌ای نظام سرمایه‌داری، به‌بانه شصتمین سال کودتای ۲۸ مرداد تلاش کرد از این مناسبت تاریخی بیشترین بهره را برده و به مخاطب خود القا کند در شرایط حاضر، بهترین راه‌حل پیش روی مردم ایران و جمهوری اسلامی به‌منظور حل مشکلات اقتصادی و سیاسی، مذاکره و همکاری با کشورهای غربی و تمکین به خواسته‌های آنان است.

بی‌بی‌سی در این کارزار تلاش کرد تا در هریک از این گزارش‌ها و ویژه‌برنامه‌ها با دستاویز قراردادن یکی از ابعاد کودتا و حاشیه‌های آن، گفتمان «مقاومت» را مورد حمله قرار دهند و گفتمان «سازش» را در اذهان مخاطبان برجسته کند.

در طی سالیان پس از انقلاب طراحی، برنامه‌ریزی و انجام کودتای ۲۸ مرداد توسط دولت‌های آمریکا و انگلیس همواره از سوی مقامات و مسئولان کشور به‌عنوان نمونه ملموس و غیرقابل‌انکار دخالت بیگانگان در امور داخلی کشور مطرح بوده است؛ بنابراین در این مقطع حساس که به‌شدت نیاز به ترمیم چهره آمریکا در مردم وجود دارد، باید از طرق مختلف این هدف عملی شود. یکی از این شیوه‌ها، پرنرگ‌ترکردن نقش نیروهای داخلی در کودتاست، به این نحو که اهمیت بیشتری به آنها در تحلیل‌ها داده شد؛ از این رو، نقش ارتش که در اجرای کودتا

پایه‌کننده فرمان‌های طراحان خارجی بود، پررنگ می‌شود. یکی دیگر از مواردی که به‌شدت از سوی این رسانه مورد تأکید قرار می‌گیرد عذرخواهی چندباره مسئولان مختلف آمریکایی به دلیل مشارکت و دخالت در کودتاست. این رویه که در قالب گفتمان «صلح‌طلبی» صورت‌بندی می‌شود، تلاش دارد به مخاطب بقبولاند که دامنه دخالت آمریکا در ایران مربوط به گذشته است و مسئولان آن کشور نیز پی به اشتباه اسلاف خود برده‌اند و دیگر چنین عملی تکرار نخواهد شد. روی دیگر سکه این‌گونه القائات این است که این مقامات جمهوری اسلامی هستند که با کینه‌توزی و دشمن‌تراشی و توسل به گفتمان «توطئه» کوتاه نمی‌آیند و حاضر به تعامل با جامعه جهانی نیستند.

مسئله دیگر که خود بخشی از گفتمان «مشروعیت‌بخش» به مذاکرات تلقی می‌شود، تقویت گفتمان «ابرقدرتی آمریکا» است، اما وقتی این رسانه بر ادبیات زورمدارنه آمریکایی متمرکز می‌شود، نمود بیشتری پیدا می‌کند؛ طوری که تمامی مراحل این عملیات و کودتا را ناشی از شکست مذاکرات پی‌درپی و فشرده ایران و انگلیس - که با کمک آمریکا انجام می‌شد - جلوه می‌دهد. به عبارت دیگر، به مخاطبان ایرانی متذکر می‌شود که از مسئولان خود فقط توافق در چهارچوب مذاکرات را مطالبه کنند؛ چرا که در این صورت (همان‌گونه که اوپاما بارها تهدید کرده است) دولت آمریکا - برخلاف خواسته قلبی خود - ناچار به استفاده از گزینه نظامی خواهد بود.

بی‌بی‌سی فارسی در چهارچوب دیپلماسی رسانه‌ای خود از یک‌سو مخاطب را به گذشت از گناهان دولت آمریکا دعوت می‌کند و از طرف دیگر با مرعوب‌ساختن وی درمورد موضع مسلط آمریکا در مواجهه با جمهوری اسلامی، تلاش می‌کند تا گفتمان «مقاومت» مخاطبش را بشکند. همچنین تلاش می‌شود گفتمان «سازش»، جایگزین گفتمان «مقاومت» شود.

در کنار این چهارچوب اصلی این رسانه انگلیسی، استراتژی گفتمانی دیگر نیز دیده می‌شود؛ این استراتژی‌های گفتمان اگر مهم‌تر از سیاست «دیپلماسی رسانه‌ای» بی‌بی‌سی فارسی نباشند، از آن کم‌اهمیت‌تر نیستند.

بی‌بی‌سی فارسی با اهمیت دادن و تقویت گفتمان «ملی-لیبرال» و همزمان با آن تخریب گفتمان «اسلام سیاسی» تلاش دارد تا این گفتمان را نسخهٔ بهتری برای ارائه کشور نشان دهد. هرچند برای بخش قابل توجهی از ایرانیان دکتر مصدق از چنین جایگاهی برخوردار است؛ اما این موضوع سبب نمی‌شود تا بی‌بی‌سی فارسی از تلاش خود برای تبدیل یا تقویت این انگاره به یک باور عمومی (لااقل نزد مخاطبان خود) دست بردارد. این مسئله را نمی‌توان در تعارض مستقیم با جمهوری اسلامی تلقی کرد، اما در نگاه گفتمانی به موضوع، قهرمان‌سازی را از دکتر مصدق به‌عنوان یک چهرهٔ محبوب تاریخ معاصر در گفتمان «ناسیونالیسم ایرانی»، می‌توان نقطهٔ مقابل جایگاهی دید که برای امام خمینی (ره) در گفتمان «اسلام سیاسی» نزد عامهٔ مردم ایران وجود دارد. این باور، زمانی تقویت می‌شود که به‌صورت موازی چهرهٔ آیت‌الله کاشانی به‌عنوان نماد گفتمان «اسلام سیاسی» در آن دوره مورد حملهٔ شدید این رسانه قرار می‌گیرد و در طرف مقابل انگاره‌های مثبتی چون تحصیل کرده، چهرهٔ استعمارستیز، قانون‌مدار و مردمی از دکتر مصدق ساخته می‌شود.

همان‌گونه که اشاره شد یکی از خط‌های اصلی که در این مجموعه گزارش‌ها ارائه می‌شود، انگاره‌های منفی با ابعاد مختلف از شخصیت آیت‌الله کاشانی است، اعم از اینکه وی هم‌دست بیگانگان در کودتا بوده یا اینکه فردی قدرت‌طلب، منفعت‌طلب و خائن به منافع ملی معرفی می‌شود.

اصولاً بی‌بی‌سی فارسی در موضوع مبارزات ملی‌کردن نفت و حتی همکاری با کودتاچیان برای آیت‌الله کاشانی اصالتی قائل نیست و نقش وی را در هر دو مقطع، حاشیه‌ای و کم‌اهمیت می‌داند. هرچند حاشیه در هر دو طرف منطقی به نظر نمی‌رسد، اما کاملاً در یک راستا قرار دارند؛ زیرا با قائل شدن به نقش حاشیه‌ای در مبارزات، از ارزش و جایگاه این فرد و طرفداران وی کاسته و اصالت به سایر گروه‌ها داده می‌شود. القای این مفهوم در قالب یک همکاری کوچک یا حتی خانه‌نشینی و کمک‌نکردن آیت‌الله کاشانی و طیف همراهشان به دولت مصدق کافی است تا مخاطب نسبت به خود آیت‌الله کاشانی به شکل خاص و این نوع تفکر و گفتمان «اسلام سیاسی» در کل بدبین و مظنون شود.

جمع‌بندی

اصلی‌ترین چهارچوب مورداستفاده در این برنامه‌ها، در بررسی کودتای ۲۸ مرداد و حوادث و وقایع آن، چهارچوب «دیپلماسی رسانه‌ای غرب» در عرصه حاکمیت سیاسی و روابط بین‌الملل بوده است.

از همین رو، می‌توان گفت برجسته‌کردن گفتمان‌هایی چون گفتمان «ابرقدرت بودن آمریکا»، گفتمان «امپراتوری بریتانیا»، گفتمان «صلح‌طلبی»، گفتمان «ملی-لیبرال» و در طرف مقابل، تضعیف گفتمان «استعمارستیزی»، تضعیف گفتمان «اسلام سیاسی» تخریب گفتمان «مدرنیسم پهلوی»، تضعیف گفتمان «مارکسیسم» و رد گفتمان «مقاومت» توسط بی‌بی‌سی فارسی در چهارچوب دیپلماسی رسانه‌ای قابل‌تفسیر است.

در کنار این چهارچوب، می‌توان گفت این رسانه که خاستگاه لیبرال-سرمایه‌داری دارد در جهت حفظ منافع خود و نیز سرنگون‌کردن بزرگ‌ترین خطر این جبهه، یعنی حاکمیت اسلام سیاسی با قرائت شیعی در چهارچوب روایتی خود از واقعه کودتای ۲۸ مرداد، سعی کرده تا با ترسیم دوگانه مصدق-کاشانی گفتمان ناسیونالیسم ایرانی را در مقابل گفتمان اسلام سیاسی قرار دهد. در همین راستا و در جهت پررنگ‌کردن ابعاد داخلی کودتا بی‌بی‌سی تأکید زیادی بر نقش آیت‌الله کاشانی در همراهی کودتاگران و خائن جلوه‌دادن وی نسبت به منافع ملی دارد.

همچنین در طی این گزارش‌ها، برای کم‌رنگ‌کردن نقش انگلیس و آمریکا در جریان کودتای ۲۸ مرداد، این رسانه انگلیسی تلاش کرده تا وزن بیشتری به عناصر داخلی درگیر در کودتا بدهد و مردم را که از قدرت حزب توده ترسیده بودند، همراه با نظامیان و اوباش در کودتا نشان می‌دهد. بی‌بی‌سی فارسی همچنین تلاش دارد تا با برگزیدن واژه «زورخانه‌دار و پهلوان»، بار منفی کلمه اوباش شرکت‌کننده در درگیری‌های خیابانی را کم کند.

در خلال این گزارش‌ها، بر مذاکرات بین ایران و انگلیس برای حل بحران نفتی تأکید و این‌گونه به مخاطبان القا می‌شود که تنها زمانی آمریکا حاضر به استفاده از روش نظامی برای سرنگونی دولت قانونی دکتر مصدق شد که پس از دو سال، هیچ پیشرفتی در مذاکرات حاصل نشده بود و با به بن‌بست رسیدن مذاکرات بود که طرح کودتا عملیاتی شد.

یکی دیگر از موضوعات مورد تأکید بی‌بی‌سی، عذرخواهی مقامات آمریکایی به‌خاطر دخالت‌شان در امور داخلی ایران بود. بی‌بی‌سی به مخاطبان خود القا می‌کند که مسئلهٔ کودتا مربوط به گذشته است و دلیلی برای وجود و استمرار این‌همه خصومت بین دو کشور پس از ۶۰ سال وجود ندارد. این اقدام رسانه‌ای را می‌توان در جهت نظریهٔ «تولید موافقت و مشروعیت» تعبیر کرد. نظریهٔ تولید موافقت و مشروعیت بیان می‌کند که رسانه‌های خبری، پوشش خبری خود را به‌گونه‌ای سامان می‌دهند که برای تصمیمات سیاسی، موافقت مخاطبان (عموم مردم) را جلب کند.

در انتها باید گفت بی‌بی‌سی فارسی پیوسته کوشیده است تا در تمام طول گزارش‌ها، ویژه‌برنامه‌ها چند خط اصلی هم‌سو با هم دنبال کند. هدف مشترک تمام این برنامه‌ها، کاهش تنفر عمومی جامعه و مخاطب ایرانی نسبت به دولت و حاکمیت آمریکاست که می‌توان آن را در جهت آماده‌کردن غیرمستقیم افکار عمومی داخل کشور، برای دور جدید مذاکرات هسته‌ای تفسیر کرد.

فهرست منابع

آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۴). *ایران بین دو انقلاب*. (مترجم: احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی). چاپ یازدهم. تهران: نی.

آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۲). *کودتای ۲۸ مرداد، سازمان سیا و ریشه‌های روابط ایران و آمریکا در عصر مدرن*. (مترجم: محمدابراهیم فتاحی). تهران: نشر نی.

آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی با همکاری دانشگاه تربیت مدرس.

اخوان کاظمی، مسعود؛ و دهقانی، رضا (۱۳۹۴). تحلیل علل هژمونیک‌شدن گفتمان اسلام‌گرا در مقایسه با دو گفتمان چپ و لیبرال در انقلاب اسلامی ایران. *فصلنامهٔ پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی*. شمارهٔ ۱.

بدیعی نعیم؛ و قندی حسین (۱۳۸۷). *روزنامه‌نگاری نوین*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

بشیریه، حسین (۱۳۸۵). *دباجه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*. تهران: نگاه معاصر.

بهرامی کمیل؛ نظام (۱۳۹۷). *نظریه رسانه‌ها (جامعه‌شناسی ارتباطات)*. چاپ سوم. نشر مرکز.

پالتریج، برایان (۱۳۹۹). *درآمدی بر تحلیل گفتمان*. (مترجم: طاهره همتی). تهران: نویسه پارس.

تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). *روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان*. تهران: فرهنگ گفتمان.

جعفریان، رسول (۱۳۸۷). *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی- سیاسی ایران*. چاپ نهم. تهران: خانه کتاب.

حسینی، سیدمجید (۱۳۹۴). *انقلاب اسلامی چرا؟ تهران: کانون اندیشه جوان*.

خانیکی، هادی (۱۳۹۲). *در جهان گفت‌وگو (بررسی تحولات گفتمانی در پایان قرن بیستم)*. تهران: هرمس.

خرازی آذر، رها (۱۳۸۷). *دیپلماسی رسانه‌ای*. مجموعه مقالات دیپلماسی رسانه‌ای. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.

خرازی محمودندی آذر، زهرا (۱۳۸۸). *تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر منافع ملی کشورها*. فصلنامه مدیریت فرهنگی. شماره ۶.

خسروی‌نیک، مجید (۱۳۹۷). *گفتمان، هویت و مشروعیت*. (مترجم: نیلوفر آقاابراهیمی). تهران: لوگوس.

دارابی، علی (۱۳۹۰). *درآمدی بر جامعه‌شناسی ارتباطات، فرهنگ و رسانه*. تهران: جهاد دانشگاهی.

زارعشاهی، احمدعلی (۱۳۸۰). *علل تشکیل و انحلال جبهه ملی ایران (۱۳۲۸-۱۳۳۲)*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

سبیلان اردستانی، حسن (۱۳۸۳). *عملیات روانی و دیپلماسی رسانه‌ای. فصلنامه عملیات روانی. شماره ۷.*

سبیلان اردستانی، حسن (۱۳۸۷). *تبلیغات سیاسی (با تأکید بر فنون تبلیغات).* تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.

سورین، ورنر جوزف؛ و تانکارد، جیمز (۱۳۸۸). *نظریه‌های ارتباطات.* (مترجم: علیرضا دهقان). چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

فرامرزیانی، سعید؛ رضاقلی‌زاده، بهنام؛ و فرامرزیانی، پروانه (۱۳۹۶). *مطالعات انتقادی رسانه‌ها (گفتمان‌شناسی رسانه‌های خبری).* تهران: سیمای شرق.

فرقانی، محمدمهدی (۱۳۸۲). *راه دراز گذار- تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران.* تهران: فرهنگ و اندیشه.

فن‌دیک، تئون‌ای (۱۳۹۵). *تحلیل گفتمان انتقادی. مجموعه مقالات تحلیل گفتمان سیاسی.* (مترجم: امیر رضایی‌پناه). سمیه شوکتی مقرب. تهران: تیسرا.

قندی، حسین (۱۳۸۷). *روزنامه‌نگاری تخصصی.* تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

قهرمانی، مریم (۱۳۹۳). *ترجمه و تحلیل انتقادی گفتمان: رویکرد نشانه‌شناسی.* تهران: علم.

قیصری، نوراله (۱۳۸۵). *گفتمان سیاسی حضرت امام خمینی(ره) و گفتمان‌های رقیب. پژوهشنامه متین. شماره ۳۰.* تهران: پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی.

کوبلی، پل (۱۳۸۷). *نظریه‌های ارتباطات: مفاهیم انتقادی در مطالعات رسانه‌ای و فرهنگ.* (مترجم: شاهو صبار، هادی خوشنویس، احسان شاقاسمی، گودرز میرانی). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

گاوریلی نوری، دالیا (۱۳۹۷). *رویکرد فرهنگی به تگفا: از نظریه تا عمل؛ راهنمای گفتمان‌شناسی انتقادی.* گروه مترجمان. تهران: لوگوس.

گیلوا، ایبتان (۱۳۸۸). *ارتباطات جهانی و سیاست خارجی*. (مترجم: حسام‌الدین آشنا و محمدصادق اسماعیلی). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

محمدی، حمید (۱۳۸۹). *تبلیغات سیاسی و دیپلماسی رسانه‌ای*. فصلنامه افق. ش ۶۷. ۸۵-۱۱۰.

مظفری، آیت (۱۳۸۵). *جریان‌شناسی سیاسی ایران معاصر*. قم: زمزم هدایت.

مک‌دائل، دایان (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمانی*. (مترجم: حسینعلی نوذری). تهران: نشر فرهنگ گفتمان.

مک‌کوایل، دنیس (۱۳۸۵). *درآمدی بر نظریه‌های ارتباطی*. (مترجم: پرویز اجلالی). تهران: انتشارات مرکز تحقیقات رسانه.

نریمان، سعید (۱۳۹۰). *تحلیل گفتمانی اندیشه سیاسی جامعه مدرسین حوزه علمیه در ارتباط با دیدگاه سیاسی امام خمینی(ره)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی.

نظری، علی‌اشرف؛ و سازمند، بهاره (۱۳۸۷). *گفتمان هویت و انقلاب اسلامی ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ون‌دایک، تئون ای (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان؛ از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی*. (مترجم: گروه مترجمان). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

ون‌دیک، توین‌آدریانوس (۱۳۹۴). *تحلیل متن و گفتمان: درآمدی بین‌رشته‌ای*. (مترجم: پیمان کی‌فرخی). آبادان: پرسش.

EBO, B. (1996) *Media diplomacy and foreign policy*, in A. Malek (Ed), *News Media and Foreign Relations*, Ablex Publishing Corporation, New Jersey.